

گفتگو و گفتمان
جستاری پیرامون گفتگو و مصادیق آن

مهرمعلی دودانگه

رهام اندیشه

سرشناسه	دودانگه، محرمعلی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	گفتگو و گفتمان جستاری پیرامون گفتگو و مصادیق آن/محرمعلی دودانگه.
مشخصات نشر	کرج: رهام اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۸۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۱-۳۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۷۸ - ۸۳
موضوع	گفتگو
موضوع	گفتگو در ادبیات
رده بندی کنگره	۱۳۹۳PN۱۵۵۱ / ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۱-۳۴-۱
رده بندی دیویی	۸۰۸/۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۰۱۷۹۷

گفتگو و گفتمان

جستاری پیرامون گفتگو و مصادیق آن

محرمعلی دودانگه

رهام اندیشه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۱-۳۴-۱

چاپ: اول/ ۱۳۹۴/ معاصر

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طرح جلد: رهام دودانگه قیمت: ۷۰۰۰ تومان

آدرس: البرز-نظرآباد-خ مصطفی خمینی نبش صنوبر ۲

تلفن: ۰۹۱۲۶۶۰۹۷۲۶ و ۰۲۶۴۵۳۴۷۳۶

فهرست

۶.....	مقدمه
۱۲.....	گفتگو و گفتمان
۱۹.....	تاریخچه گفتگو
۳۱.....	گفتگو در کتب مقدس
۴۸.....	گفتگو در ادبیات فارسی
۶۱.....	قالب‌های گفتگو

مقدمه

گفتگو چیست و چه معنایی دارد؟ این سوالی است که پاسخ دادن به آن در نگاه نخست ساده و بدیهی می‌نماید، اما با نگرشی عمیق‌تر، ذهن انسان به سمت و سوی فراوانی کشیده می‌شود؛ معانی فراوانی برای آن می‌یابد و به مصادیق بسیاری دست می‌یابد. در این جستار در پی این سمت و سو حرکت می‌کنیم. تا چه پیش آید و چگونه مقبول افتد!

معنای لغوی گفتگو و گفتگو کردن آنگونه که از لغتنامه دهخدا مستفاد می‌شود به معنای مکالمت، مباحثه، مجادله، گفت و شنود، مذاکره کردن، محاوره، جر و بحث، صحبت، بحث، سخن، هنگامه کردن، مشاجره، پرخاش و جنجال است:

گفتگو و گفتمان

نگر نره دیو اندرین جستجو چه جست و چه دید اندرین گفتگو (فردوسی)
همچو آن ابلیس و دُرّیات او با خدا در جنگ و اندر گفتگو (مولوی)
چشم فلک فارغ ازین جستجوی گوش زمین رسته ازین گفتگوی (نظامی)
چو باشد گفتگوی خواجه بسیار بگستاخی پدید آید پرستار (نظامی)

(دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه گفتگو)

شاید برداشت ما از گفتگو همان گفتن و شنیدن باشد، اما منتقدان و تحلیل‌گران آثار ادبی در لایه‌های زیرین این گفتن و شنیدن معانی دیگری را برای آن تعریف می‌کنند. معانی‌ایی که هرچه نویسنده توانا‌تر باشد، گستره‌اش بیشتر است.

کلام و کلمه البته در نزد ابناء بشر از اهمیت والایی برخوردار بوده است. در همه فرهنگها و تمدنها از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین آنها، به شیوه‌ها و بیان‌های مختلف بر اهمیت آنچه به اعتقاد بسیاری مایه امتیاز انسان از دیگر جانداران به شمار می‌آید، تأکید شده است. در انجیل می‌خوانیم که «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا پسود و کلمه خدا بود» و در قرآن به قلم و آنچه که بدان می‌نویسند سوگند یاد شده است. جان لاک در قرن هفدهم تأکید کرد که: «زبان رشته محکم پیوند دهنده جامعه است. برخی از فلاسفه جدید نیز تا آنجا پیش رفته‌اند که مدعی شده‌اند، مرزهای عالمی که افراد در آن به سر می‌برند همان مرزهای زبانشان است. (پایا، ۱۳۸۱: ۱۶) مایه و اساس گفتگو کلمه و کلام است. ارزشمندی گفتگو نیز از آن روست که در آن از کلام استفاده می‌شود.

اما سخن گفتن را با گفتگو نباید یکسان پنداشت. زبان‌شناسان و فیلسوفان برای زبان کارکردهای متعددی برشمرده‌اند. هر یک از انواع تازه سخنوری را که آدمی فرا گرفته و به کار بسته، نقش و وظیفه تازه‌ای برای او به انجام می‌رساند: انتقال اندیشه‌ها، بیان نیازهای پیچیده عاطفی و روحی، تعامل در امور اجتماعی و برخی از این کارکردها به قرار ذیل است:

۱. قصه، رمان، شعر، تئاتر	۱. زیباشناسانه
۲. سخن گفتن با خود، با خود قول و قرار گذاشتن، دعا کردن و....	۲. تنظیم امور و رفتار فردی
۳. فرمان دادن، درخواست کردن، تهدید کردن، مزاح کردن، تبلیغات، انقای دیدگاهها و....	۳. تنظیم امور و رفتار دیگران
۴. سلام کردن، تعارف کردن و....	۴. مشارکت در آداب اجتماعی
۵. این مدرسه را به اسم... نامگذاری می‌کنم. به کتاب مقدس سوگند می‌خورم که مجری قانون اساسی و حافظ تمامیت ارضی کشور باشم....	۵. اجسرای افعال و الجسام اعمال (کنش-گفتار)
۶. فریاد زدن، ناسزا گفتن....	۶. بیان احساسات
۷. من فرزندی هستم، رجزی که در میدانهای جنگ می‌خواندند....	۷. تأکید بر هویت فردیت
۸. علوم و منطق و ریاضیات....	۸. اخبار و اعلام
۹. آموزه‌ای اخلاقی	۹. انذار و تشویق
۱۰. پرسش	۱۰. تفحص و جستجو
۱۱. حرف زدن مادر با کودک، تدریس -	۱۱. یاد دادن و آموزش
استاد	

گفتگو و گفتنمان

بی شک کارکرد اصلی بسیاری از انواع سخن گفتن‌ها تقویت شیرازه حیات فردی و جمعی است. (پایا، ۱۳۸۱: ۱۸)

از نگاهی دیگر و نگرشی تازه‌تر اگر بخواهیم تعریفی منطقی‌تر و جامع‌تر از گفتگو ارائه دهیم باید گفت، هر گفتگو به دو رویکرد و مواجهه نیازمند است؛ نگاه به درون و توجه کردن به خود و در صدد پاسخ برآمدن سوالانی که در ذهن وجود دارد که به نوبه خود رویکرد تک سویه می‌باشد و در مرحله بعد کشف حقیقت و رسیدن به تفاهم از راه ارتباط زبانی و کلامی با دیگران، که در این مرحله هر دو سوی رسمیت دارند و با پرسش و پاسخ دادن ابراز وجود می‌کنند. (گرچی، ۱۳۷۹: ۱۱)

گفتگو را در زبان انگلیسی دیالوگ ترجمه می‌کنند. دیالوگ (Dialogue) از لغت یونانی دیالوگوس (dialogos) گرفته شده است. معنی لوگوس (logos) کلمه است که طبیعتاً چیزی است که بار معنایی خاصی دارد و مراد از به کار بردنش توجه به معنای خاص آن است. لفظ دیا (dia) نیز به معنی میان و درون (through) است و ربطی به کلمه "دو" در انگلیسی ندارد. بنابراین دیالوگ می‌تواند در میان شماری از آدمها، و نه فقط دو تن، اتفاق بیفتد. حتی یک شخص واحد هم اگر روحیه دیالوگ در او موجود باشد، می‌تواند در درون خود دیالوگ برقرار کند. (بوهم، ۱۳۸۱: ۳۳).

اما بوهم در مبحث تفاوت دیالوگ با مناظره و مباحثه - که در معنای لغوی گفتگو به آن اشاره شد - اعتقاد دارد که این دو مبحث با هم تفاوت دارند؛ این درست در مقابل "گفتگو و مناظره یا مباحثه" (discussion) است که در لاتین ریشه در مفاهیمی چون تصادم (percussion) و به هم خوردگی (concussion) دارد معنی این عبارت در واقع تکه تکه کردن و تجزیه و تحلیل کردن است و تأکیدش روی اعتقاد به آنالیز می‌باشد که در آن دیدگاه خود را مطرح و از آن دفاع می‌کند. معلوم است که این امر نیز در جای خود می‌تواند ارزشمند باشد، ولی محدودیتی دارد که موجب می‌شود ما نتوانیم از دایره دیدگاه‌های مختلف موجود زیاد فراتر برویم. مناظره و

مجادله و گفتگو به بازی پینک پینک می ماند، جایی که اشخاص عقاید و نظریات خودشان را به سوی یکدیگر پرتاب می کنند و منظور بازی هم برنده شدن و یا گرفتن امتیاز است. احتمال دارد که در جریان گفتگو شما نظر و عقیده طرف مقابل را بگیری. تا از آن به نفع نظر و عقیده خود استفاده کنید- ممکن است با برخی از آنها موافق و با برخی دیگر مخالف باشید- ولی به هر حال مقصد نهایی برنده شدن در بازی است. این انفعالی است که در اغلب موارد در مباحثه و گفتگوها روی می دهد. لیکن در دیالوگ هیچ کس دنبال این نیست که خودش برنده شود. هر کس که برنده شود به این معنی است که همه برنده شده اند. روحیه حاکم بر آن متفاوت است. در جریان دیالوگ هیچ تلاشی برای کسب امتیاز صورت نمی گیرد، هیچ کس سعی نمی کند نظر خودش را غالب سازد. برعکس، هر گاه اشتباهی از سوی هر کس باشد- رخ نماید، همه از فهم آن موقعیت بهره مند می شوند. موقعیتی از این دست را می توان موقعیت برنده-برنده خواند. درست در مقابل شرایطی که در آن برنده و بازنده وجود دارد. دیالوگ چیزی بیشتر از شرکت معمولی در یک بازی است که طرفین در مقابل هم قرار می گیرند. مشارکت در دیالوگ، بازی کردن "با هم" است نه بازی "در برابر هم". در جریان یک دیالوگ هر کسی که مشارکت داشته باشد برنده محسوب می- شود. (بوهم، ۱۳۸۱: ۳۲)

گفتگو (دیالوگ) آنچنان که سقراط در بخشی از خطابه مشهور خود بدان اشاره می کند، محصول توجه آدمی به این نکته است که نمی داند. آنگاه همین معرفت، یعنی علم به جهل، محرکی می شود برای آنکه شخص در گفتگو با دیگران، از یک سو، معرفت خویش را رشد دهد و از دیگر سو به دیگران مدد رساند تا احیاناً جهل مرکب خود را به جهل بسیط مبدل کنند و آنگاه در مسیر بسط معرفت گام بردارند. (پایا، ۱۳۸۱: ۱۹) هر گفتگویی را که می گوییم، از هر نوعی که باشد، به این نکته می- رسیم که در پی نادانسته ای اتفاق افتاده و یا بهتر بگوییم صورت پذیرفته است.

گفتگو و گفتمان

"دیالوگ اتفاق افتاده" حادثه‌ای است که در پی این "نادانسته" و "درک نشده" به وجود آمده است، تا آن موضوع و مورد اشاره، حل و فصل شود.

محصول یک گفتگوی پرتنر که به منزله ملاقات دو روح، برخورد دو اندیشه و دیدار دو جان است، تنها مبادله اطلاعات نیست، بلکه نتیجه آن تغییر در واقعیات موجود و خلق واقعیات موجود و خلق واقعیتهای نو، ارتقای مخاطبان به طرازهای معرفتی جدید و پدید آمدن منظرهای تازه برای سیر در عرصه‌های نظر و عمل است. به این ترتیب گفتگو محملی است برای ایجاد تحول در آفاق و انفس. توجه گسترده به گفتگو به مثابه یک روش یا ابزار که می‌تواند در اندیشه و عمل مخاطبان تأثیر بگذارد، امری نوپدید است و تاریخچه آن به زمانی باز می‌گردد که انسان جدید دریافت که معرفت مجموعه‌ای از فرضها و حدیثهای غیر یقینی در باب ماهیت واقعیات و امور است؛ رشد معرفت در گرو نقادی شدن مستمر این فرضها و فرضیه‌ها است؛ اندیشیدین با خود و در خود، برای رشد معرفت و برآمدن بر بامهای هستی و دستیابی به دیدگاههای دوران ساز، کفایت نمی‌کند. (همان: ۲۰-۱۹)

در دایره‌المعارف بریتانیکا، دیالوگ (Dialogue) عبارت است از: «... مکالمات مکتوب و ضبط شده بین دو یا چند نفر، خصوصاً به عنوان عنصری از عناصر یک درام یا ادبیات داستانی، و رای مقوله ادبیات، نوعی مکالمه سازمان یافته که از جدال و تضاد میان عقاید فلاسفه و دانشمندان پدید آید و به عنوان روشی فلسفی به کار گرفته شود. قدیمی‌ترین اطلاعات از دیالوگ به میم‌های ایتالیایی در حدود قرن پنجم پیش از میلاد مربوط می‌شود.» (ثمین، ۱۳۷۷: ۶۳)